

جغرافیا و توسعه شماره ۳۲ پاییز ۱۳۹۲

وصول مقاله: ۱۳۹۰/۳/۳۰

تأیید نهایی: ۱۳۹۱/۱۲/۲۰

صفحات: ۱۰۲ - ۸۹

شناخت عوامل مؤثر بر تمایل کشاورزان به مشارکت در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی مورد: شهرستان خوسف

دکتر محمود مرادی^۱؛ دکتر محمود فال‌سلیمان^۲؛ آمنه ابطحی نیا^۳

چکیده

عدم یکپارچگی زمین‌های کشاورزی در سطح کشور، دشواری‌های فراوانی در استفاده‌ی مناسب از عوامل تولید و دستیابی به توسعه‌ی پایدار کشاورزی و روستایی به وجود آورده است. بهره‌برداری مناسب از عوامل تولید برای به‌فعالیت در آمدن امکانات بالقوه، اجرای کامل قانون یکپارچه‌سازی اراضی، تعاونی کردن تولید یا تجمیع اراضی خرد و پراکنده، ایجاد قطعات اراضی مناسب برای تولید و تجمیع سرمایه‌های انسانی و مادی پراکنده‌ی کشاورزان از راهبردهای اساسی و مهم در رسیدن به توسعه‌ی پایدار کشاورزی و روستایی محسوب می‌شود. بدیهی است مشارکت کشاورزان در امر یکپارچه‌سازی اراضی زراعی می‌تواند زمینه‌ساز اهداف راهبردی مذکور باشد، قابل ذکر است کشاورزی خراسان جنوبی نیز با بافت سنتی و با واحدهای کوچک بهره‌برداری با مشکلات فرآیندهای روبروست. از این رو به منظور افزایش بازده تولید، مکانیزه کردن کشت، مصرف بهینه‌ی آب و بهبود مدیریت مزرعه، طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی در ۷۲ هکتار از اراضی زراعی شهرستان خوسف، واقع در استان خراسان جنوبی اجرا شده است.

این تحقیق ضمن بیان ابعاد پذیرش کشاورزان، به بررسی عواملی که بر تمایل آنان به پذیرش و مشارکت در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی مؤثر می‌باشند، پرداخته است. تحقیق حاضر از نوع مطالعات کاربردی- توسعه‌ای و روش آن توصیفی- تحلیلی است. داده‌های لازم از طریق دو نوع پرسشنامه (پرسشنامه کشاورزان و پرسشنامه کارشناسان)، مصاحبه، مشاهده و پرسشگری جمع‌آوری و با استفاده از فنون آماری و نرم‌افزارهای Excel و Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل سن، جنس، شغل و میزان تحصیلات بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: توسعه‌ی روستایی، مشارکت، طرح یکپارچه‌سازی، پراکندگی اراضی، شهرستان خوسف.

moradi_m@pnu.ac.ir

mm_fall@birjand.ac.ir

a_abtahi77@yahoo.com

۱- استادیار جغرافیا، دانشگاه پیام نور

۲- استادیار جغرافیا، دانشگاه بیرجند (نویسنده مسؤل)

۳- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه پیام نور

مقدمه و طرح مسأله

پدیده‌ی کوچک بودن واحدهای تولیدی و پراکنش زمین‌های کشاورزی که ناشی از ساختار کشاورزی سنتی در کشور است امروزه به یکی از موانع اصلی در توسعه‌ی کشاورزی تبدیل شده است (پورمرعشی، ۱۳۷۵: ۵۸). چنین آرایشی از اراضی کشاورزی نه پدیده‌ای جدید است و نه خاص کشور ما، بلکه در نظام زمین‌داری اغلب کشورها با کم و بیش تفاوتی، وجود داشته که تحت شرایط خاص شکل گرفته و دارای کارکردهای مثبت نیز بوده است. اما با تغییر شرایط و شکل‌گیری نظام جدیدی از تولید و روابط اجتماعی، این کارکردهای مثبت نه تنها ویژگی خود را از دست داده بلکه به تدریج به صورت یک عامل بازدارنده در توسعه‌ی کشاورزی و روستایی درآمده است (آصفی، ۱۳۷۹: ۱۵). هم‌اکنون حدود دو سوم زمین‌های قابل کشت کشور، زمین‌هایی است که غالباً تحت مالکیت افراد و به صورت قطعات کوچک و به شکل‌های غیرهندسی در سطح مزرعه پراکنده می‌باشند. این ویژگی به اشکال گوناگون، موجب ایجاد اختلال در بهره‌برداری از زمین و استفاده‌ی بهینه از عوامل تولید شده، به طوری که آثار زیان‌بار این پراکندگی قطعات زراعی در روند انتقال کشاورزی از وضعیت سنتی به وضعیت نوین به تدریج مشهود گردیده و با گسترش ارتباط بین روستاها و شهرها و شکل‌گیری بازارهای محلی، منطقه‌ای، بین‌المللی وسعت بیشتری نیز پیدا کرده است. بدین‌روی ضروری است که تولید کشاورزی با مطالعه و برنامه‌ریزی دقیق، استفاده از تکنولوژی و دستاوردهای علمی، صرف هزینه‌ی کمتر و با تأکید و توجه به حفظ منابع آب و خاک، مسائل زیست‌محیطی انجام گیرد. اما پراکندگی قطعات پدیده‌ای است که در روند تحول کشاورزی سنتی به نوین، مانع تحقق این امر شده و توسعه‌ی کشاورزی را بسیار دشوار و حتی غیرممکن می‌سازد. بنابراین می‌توان گفت که یکپارچه‌سازی

اراضی کشاورزی، نخستین اقدام فنی و اجتماعی در عملیات زیربنایی کشاورزی به شمار می‌رود. تا وقتی که چنین عملیاتی در سطح مزارع و زمین‌ها اجرا نشود، استفاده درست از منابع آب و خاک و افزایش تولید محصولات کشاورزی در واحد سطح و اعمال مدیریت و ارتقای سطح تکنولوژی کاربردی در مزارع، بسیار کم خواهد بود (پورمرعشی، ۱۳۷۵: ۶۱).

در حال حاضر اصلاح نظام بهره‌برداری در ایران می‌تواند موجب دستیابی به توسعه‌ی پایدار کشاورزی گردد، زیرا نظام‌های بهره‌برداری یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین مسائل نظام کشاورزی کشور در بُعد کلان و یا ساختاری است که هرچه در جهت گسترش آن تلاش نماییم به وضعیت مطلوب‌تری از نظر بازدهی عوامل تولید، سوددهی، بهبود وضع زندگی کشاورزان و رضایت‌مندی آنان و نیز امکان انجام عملیات زیربنایی، ارتقای مکانیزاسیون و حفظ منابع و جلوگیری از ضایعات و نهایتاً توسعه‌ی پایدار کشاورزی و روستایی دست خواهیم یافت. هدف استراتژیک در برنامه‌های توسعه با تحول کیفی در ساختار کشاورزی و تبدیل کشاورزی معیشتی به کشاورزی نوین سودآور و تأمین نیازهای اساسی جامعه، کاهش وابستگی و توسعه‌ی ملی، تحقق خواهد یافت. در تحقق این هدف با توجه به مشکلات فراروی بخش کشاورزی از جمله کوچک بودن و پراکندگی اراضی مزروعی بهره‌برداران و عدم بضاعت اقتصادی کشاورزان در استفاده‌ی مطلوب و بهینه از عوامل تولید محدودیت‌هایی به‌ویژه در دستیابی به توسعه‌ی پایدار مناطق مختلف روستایی کشور وجود دارد. از این‌رو با انجام یکپارچه‌سازی اراضی، بازسازی شبکه‌های آبیاری، زهکشی و ارتباطی، بازسازی بهسازی سکونتگاه‌های روستایی و توسعه صنعتی میسر می‌گردد که به افزایش تولید و بهره‌وری، تجدید ساخت تولید و بازتوزیع زمین انجامیده و نهایتاً توسعه‌ی یکپارچه‌ی روستایی را محقق می‌سازد.

در بیانیه‌ی مونیخ، یکپارچه‌سازی اراضی ابزاری برای توسعه روستایی در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی توصیف شده است. در این بیانیه، هدف اصلی از یکپارچه‌سازی اراضی، بهبود بهره‌وری قطعات اراضی زراعی از طریق متمرکز کردن اراضی در کمترین قطعات ممکن، تأمین جاده و زیرساخت‌های لازم، حفظ محیط‌زیست و بهبود معیشت روستایی ذکر شده است (FAO, GTZ, 2002: 92). مطالعات میدانی که اگروال^۳ در "اتراپرادش"^۴ هند در ۱۰ روستا (۵ روستای شاهد و ۵ روستای نمونه) با ۳۰۶ بهره‌بردار انجام داده است، حاکی از آن است که یکپارچه‌سازی مزایایی چون کاهش تعداد قطعات، اجاره، هزینه‌ی کشت، نیروی انسانی و استفاده از بذره‌های اصلاح شده، کودشیمیایی، درآمد و ارزش زمین داشته و در نهایت به بهبود زندگی کشاورزان و توسعه‌ی روستایی منجر شده است (Agarwal, 1971: 98).

برای تحقق مواردی چون افزایش تولید و بهره‌وری تجدید ساخت تولید و باز توزیع زمین، نیاز به ایجاد محیطی توانمند است که با مشارکت فعالانه‌ی همه‌ی ذینفعان و مسؤولیت‌پذیری آن‌ها صورت‌گیرد. هر کشور در حال توسعه باید راهکارهای مناسب خویش جهت جلوگیری از پراکندگی و کوچک شدن اراضی را به کار گرفته و تجارب کشورهای توسعه‌یافته را با اصول و سیاست‌های خود تطبیق دهد. یکپارچه‌سازی اراضی باید در چهارچوب سیاست‌های کلی توسعه‌ی روستایی و کشاورزی مطرح شده و ابزاری ضروری برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار روستایی باشد. شیوه‌های اجرایی یکپارچه‌سازی اراضی نیز باید مبتنی بر صرفه‌جویی در هزینه‌ها و زمان و استفاده از ابزارهای ساده‌ی در دسترس، همراه با روش‌های پیشرفته و نوین باشد. همچنین یکپارچه‌سازی اراضی باید مبتنی بر درک تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، اقتصادی،

آموزش روستایی، برنامه‌های ترویج، بهسازی روستا و... نیز در چهارچوب توسعه‌ی یکپارچه‌ی روستایی تحقق می‌پذیرد (افتخاری، ۱۳۸۲: ۵۵). بدیهی است در این راستا شناخت ابعاد مشارکت و عوامل مؤثر بر تمایل کشاورزان به مشارکت در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی، ضروری بوده و می‌تواند زمینه‌ساز دستیابی به توسعه‌ی پایدار کشاورزی و روستایی باشد. راهبردهای زیادی در سال‌های گذشته برای غلبه بر مشکل پراکندگی فیزیکی اراضی اجرا شده است (Kodderitzsch, 1999: 45). بین سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم و سال‌های دهه‌ی ۱۹۷۰، در سازمان فائو عمدتاً طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی در مقیاس بزرگ اجرا شده است. مجموعه‌ی اصولی که در دو دهه‌ی اخیر برای بازسازی کشاورزی اروپا به‌کار گرفته شده، مبتنی بر راهبرد پیشنهادی بینز^۱ است که در آن فرض بر این است که بعضی انواع یکپارچه‌سازی فیزیکی اراضی برای توسعه‌ی روستایی لازم بوده و قطعات اراضی زراعی باید برای سوددهی و کاربرد فناوری‌های نوین، زهکشی و آبیاری، دوباره سازماندهی شوند. اصل مشترکی که ضرورت دارد در همه‌ی رهیافت‌ها رعایت شود مبتنی بر این است که یکپارچه‌سازی اراضی باید مشارکتی، دموکراتیک، آزادانه و برخاسته از بطن جامعه و متمرکز بر تأمین معیشت روستایی، توسعه‌ی روستایی و اقتصادی پایدار کل جامعه و نوسازی آن باشد (FAO, GTZ, 2002: 95).

فلیپ‌الدنبرگ^۲ منظور از یکپارچه‌سازی را انتقال مالکیت زمین‌های پراکنده‌ی یک مالک در نقاط مختلف به نقطه‌ی معینی که مساحت آن برابر مجموع زمین‌های پراکنده باشد و همچنین ارزش زمین‌های مبادله شده، برای رعایت عدالت اجتماعی یکسان باشد، می‌داند (Oldenberg, 1990: 183).

3-Agarwal
4-Uttar Pradesh

1-Beans
2-Oldenberg

ب- متغیر وابسته: میزان تمایل بهره‌برداران برای مشارکت در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی.

روش تحقیق

مطالعه‌ی حاضر از نوع مطالعات کاربردی- توسعه‌ای است و روش آن توصیفی- تحلیلی است. داده‌های لازم از طریق دو نوع پرسشنامه (پرسشنامه‌ی کشاورزان و پرسشنامه‌ی کارشناسان)، مصاحبه، مشاهده و پرسشگری جمع‌آوری و با استفاده از فنون آماری و نرم‌افزارهای Excel و Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. جمع‌آوری اطلاعات محیطی به صورت پیمایشی (میدانی) طی بازدیدهای مکرر از منطقه تحت اجرای طرح یکپارچه‌سازی و به‌طور مستقیم از جامعه‌ی تحقیق یعنی روستاییان و کشاورزان دریافت گردیده است. جامعه‌ی آماری شامل همه‌ی کشاورزانی است که به یکپارچه‌سازی اراضی زراعی خود در دو روستای قیس-آباد و کنقد از آبادی‌های شهرستان خوسف است، اقدام کرده‌اند که با توجه به تعداد کم خانوارها، و عدم وجود مشکل منابع مالی، برای انجام مطالعات کامل، جامعه‌ی آماری مورد بررسی قرار گرفته و نمونه‌گیری انجام نشده است.

به‌منظور تعیین روایی ابزار سنجش از لحاظ تطبیق سؤالات و گویه‌ها با متغیرها و شاخص‌های تحقیق، پرسشنامه‌ها جهت بررسی به تعدادی از اساتید دانشگاه و کارشناسان خبره ارائه و پس از اصلاحات، مورد تأیید نهایی قرار گرفت. همچنین ارزیابی پایایی (اعتبار) ابزار سنجش به روش پیش‌آزمون و به کمک آزمون آلفای کرونباخ انجام شد.

در مرحله‌ی پیش‌آزمون، ۳۰ نفر از جامعه‌ی کشاورزان به‌صورت تصادفی انتخاب و پرسشنامه بین آن‌ها توزیع گردید که بر اساس پاسخ‌های داده شده به گویی‌های مربوط به متغیرهای وابسته، مقدار آلفا برابر ۰/۷۸/۰- به دست آمد که بیانگر همبستگی بالا میان گویی‌ها در

سیاسی و جغرافیایی جوامع مختلف روستایی و توجه به دانش و فناوری بومی آن‌ها باشد (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۵).

در این تحقیق با انتخاب یک پایلوت ۷۲هکتاری یکپارچه شده در دو روستای قیس‌آباد و کنقد از آبادی‌های شهرستان خوسف^۱ به شناخت ابعاد مشارکت و عوامل مؤثر بر تمایل کشاورزان به مشارکت در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی پرداخته شده است. سؤال اساسی این تحقیق را در پایلوت مورد بررسی می‌توان این‌گونه بیان کرد که آیا رابطه‌ی معنی‌داری بین متغیرهای جنس، شغل، سطح تحصیلات و سن بهره‌برداران با تمایل آن‌ها برای مشارکت در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی وجود دارد؟

اهداف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق شناخت و ارزیابی میزان تأثیر متغیرهای شخصی بهره‌برداران در تمایل آن‌ها برای مشارکت در اجرای طرح یکپارچه‌سازی می‌باشد. اهداف اختصاصی تحقیق نیز عبارت است از بررسی نقش یکپارچه‌سازی اراضی زراعی در توسعه‌ی روستایی و تبیین نقش مثبت مشارکت بهره‌برداران در اجرای بهتر طرح یکپارچه‌سازی اراضی.

متغیرهای تحقیق

در تحقیق حاضر دو دسته متغیر مستقل و وابسته مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف- متغیرهای مستقل: سن بهره‌برداران، سطح سواد و میزان تحصیلات بهره‌برداران، جنس و شغل بهره‌برداران.

۱- بخش خوسف در زمان انجام پژوهش جزء شهرستان بیرجند بوده، لیکن بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی استان خراسان جنوبی و مصوبه تاریخ ۱۳۹۱/۲/۱۶ هیأت وزیران از شهرستان بیرجند جدا شده و به عنوان شهرستان خوسف معرفی گردیده است، لذا محدوده‌ی مورد مطالعه در حال حاضر جزء شهرستان خوسف می‌باشد.

اساساً می‌توان پراکندگی اراضی را به دو صورت نشان داد:

پراکندگی اراضی بین افراد و بهره‌برداران مختلف که با مرزهای مصنوعی یا طبیعی مانع از استفاده‌ی عقلانی و بهینه از زمین می‌شود و مشکلات فراوانی را در مالکیت‌های کوچک موجب می‌گردد (مطلبی، ۱۳۸۱: ۴۸). پراکندگی اراضی باعث می‌شود که استفاده از عوامل تولید با دشواری انجام شود. نیروی کار که یکی از عوامل تولید در کشاورزی است به علت وجود پدیده‌ی پراکندگی تضعیف شده و کارایی آن کاهش یابد (میردريکوند، ۱۳۸۲: ۱۰۲). عدم استفاده‌ی مناسب از قابلیت‌های خاک و آب، عدم استفاده‌ی مناسب از نیروی کار و از بین رفتن بخشی از انرژی کشاورزان برای جابجایی بین مزارع و عدم امکان مدیریت کامل و... از دیگر مشکلات زمین‌های کوچک و پراکنده می‌باشد (کاشف، ۱۳۸۲: ۲۴). در مقابل، فواید یکپارچه‌سازی اراضی را می‌توان به قرار زیر برشمرد:

- ۱- افزایش محصولات کشاورزی به علت افزایش نسبی عوامل کشاورزی (افزایش سطح زیرکشت، افزایش آب).
- ۲- کاهش هزینه‌های تولید (صرفه‌جویی در نیروی کار با کاهش ساعات کار و کاهش فاصله‌ی زمین‌ها، صرفه‌جویی در هزینه‌ی به‌کارگیری ماشین‌آلات کشاورزی، کاهش هزینه‌ی استهلاک ماشین‌آلات کشاورزی).
- ۳- ایجاد همکاری مشارکت بهره‌برداران کشاورزی (وئوقی، ۱۳۸۲: ۴۳).

مشارکت و توسعه‌ی مشارکتی

در زمان حاضر، مشارکت در توسعه‌ی روستایی را اگر به عنوان مسأله‌ای حیاتی و اساسی در نظر نگیریم، دست کم به عنوان پدیده‌ای سودمند پذیرفته شده و فرض بر این است که مشارکت بیشتر، بهتر از کم بودن آن است. به نظر می‌رسد که راهبردهای گذشته‌ی توسعه‌ی روستایی به خاطر فقدان این امر شکست خورده‌اند (Lowe at all, 2005: 14). با وجود قدمت

آزمون مقدماتی و در نتیجه پایایی ابزار سنجش می‌باشد. جهت تعیین میزان همبستگی بین تمایل بهره‌برداران برای مشارکت در اجرای طرح و متغیرهای مستقل سن، جنس، شغل و میزان تحصیلات آزمون‌های اسپیرمن و کندال انجام شده است. تمایل بهره‌برداران برای اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی، توسط سه گزینه؛ "با رضایت کامل خودم"، "به تبعیت از دیگران" و "به توصیه‌ی جهاد کشاورزی" سنجیده شده است. برای اندازه‌گیری میزان همخوانی دو متغیر گسسته که هر یک از آن‌ها ممکن است دارای بیش از دو طبقه باشد، از ضریب توافق (C) استفاده گردیده است.

جداول توافقی مورد استفاده، نشان‌دهنده‌ی توزیع فراوانی توأم بیش از یک متغیر می‌باشد. هر خانه در جدول توافقی ارائه‌دهنده‌ی یک ترکیب واحد از مقادیر فراوانی گروه‌های متغیرها است. اندازه سطر و ستون جدول به وسیله‌ی تعدادی گروه‌های هر متغیر تعیین می‌شود (نگهبان و مستجابی، ۱۳۸۴: ۱۷۰).

مبانی نظری

پراکندگی اراضی

پراکندگی اراضی عبارت است از وضعیتی که در آن اراضی متعلق به هر زارع در محدوده‌ی یک مزرعه در نقاط مختلفی پراکنده بوده، به طوری که فاصله‌ی قطعات از همدیگر دور باشند. برای نشان دادن پدیده‌ی پراکندگی از سه معیار استفاده می‌شود:

- ۱- متداول‌ترین معیار تعداد قطعات زمین تحت بهره‌برداری هر کشاورز است. این شاخص صرفاً تعداد قطعات را بدون ارتباط با مساحت زمین نشان می‌دهد.
- ۲- تعداد قطعات و مساحت آن‌ها را در ارتباط با هم به صورت میانگین نشان می‌دهد.
- ۳- معیار سوم بیانگر ارتباط تعداد قطعات و فواصل آن‌ها می‌باشد (حیدری، ۱۳۷۵: ۱۵۳).

مشارکت اجتماعی حاصل ایده گسترده کثرت‌گرایی اجتماعی است که نظریه‌پردازانی چون توکویل^۸ (۱۹۶۱)، ترومن^۹ (۱۹۵۱)، دال^{۱۰} (۱۹۵۶)، لیپست^{۱۱} و دیگران (۱۹۵۶)، کورننوزر و نیزبت (۱۹۶۲) آن را توسعه داده‌اند^{۱۲} (Olsen, 1972: 318). طبق نظر هال^{۱۳} "تعارض بین دیدگاه‌های عملگرایانه^{۱۴} و دیدگاه‌های عمدتاً فلسفی از مشارکت موجب شده که مفهوم مشارکت تبدیل به یک مفهوم چندوجهی و در طیّ زمان با معنای متفاوتی هویدا شود" (Hall, 1988: 93).

بر اساس نظر آلن‌بیرو^{۱۴} از منظر جامعه‌شناسی "باید بین مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) به عنوان حالت یا وضع (امر شرکت کردن) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد و در معنای دوم از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد" (بیرو، ۱۳۶۶: ۲۷۵). مشارکت عمومی را می‌توان به عنوان یک نظام خودکلیلی و به عنوان متشکله‌ی یک نظام جدید نمایندگی محسوب کرد (دشتی، ۱۳۷۶: ۱۶۴). از منظر نظام‌مندی و کارکردی مشارکت را "ساز و کاری برای بقا، توسعه و تعالی نظام اجتماعی دانسته‌اند که توسعه نیافتن ساختارهای لازم برای مشارکت و نهادی کردن آن به انقراض نظام اجتماعی و سقوط سیاسی آن می‌انجامد" (مردوخی، ۱۳۷۳: ۷۱).

مشارکت، مفهومی ذاتی در جوامع بشری است که برای تحکیم آن، نیاز به برنامه‌ریزی از پایین به بالا و ارتباط بین همه‌ی مؤلفه‌های موجود در این زمینه وجود دارد (Wang, Xiaojun at all, 2008: 86).

مشارکت در میان جوامع انسانی و عمل به آن، واژه‌های مشارکت برای اولین بار در اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰ مطرح گردیده، ولی در عرصه‌ی توسعه‌ی روستایی با تأخیر، مورد استفاده قرار گرفته است. کاربرد واژه‌ی مشارکت در برنامه‌ی توسعه روستایی، موضوعی است که آغاز آن به دهه‌های ۱۹۷۰ و شاید ۱۹۸۰ برمی‌گردد. رشد و گسترش راهبردهای توسعه مبتنی بر رشد اقتصادی و صنعتی شدن کشورهای مغرب زمین و در پیش گرفتن چنین راهبردی در بسیاری از کشورهای جهان سوم، موجب شد تا پیامدهای منفی از قبیل مهاجرت و جابجایی شدید جمعیتی و افزایش شکاف بین مناطق شهری و روستایی حادث شود. در نتیجه، بسیاری از نظریه‌پردازان توسعه، درصدد برآمدند تا در خصوص رهیافت‌های اتخاذ شده، تجدیدنظر کنند. از این رو، مشارکت روستاییان و ساز و کارهای جلب و بارگیری آن در برنامه‌های توسعه‌ی روستایی مورد توجه واقع گردید و مفهوم جدیدی از توسعه با عنوان توسعه‌ی مشارکتی وارد نوشتارهای توسعه شد (مطیعی‌نگرودی و سخایی، ۱۳۸۸: ۱۱۷).

به نظر پارکر^۱ "در آغاز، مشارکت اجتماعی به مثابه بعدی از منزلت اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این مشارکت به عنوان ابزاری برای خود شکوفایی وارینر^۲ و پراسر^۳ (۱۹۶۵)، حامی تکثرگرایی در جوامع توده‌ای نیزبت^۴ (۱۹۵۷) و کورنوزر^۵ (۱۹۵۹)، کاتالیزوری برای وحدت اجتماعی محلی هاری^۶ (۱۹۷۰)، عامل جامعه‌پذیری سیاسی و نظام‌های دینی غالب وارینر و پراسر (۱۹۶۵) و اولسن^۷ (۱۹۷۲) دیده شده است" (Parker, 1983: 864). به نظر اولسن "نظریه

8-Toquville
9-Truman
10-Dahl
11-Lipset
12-Hall
13-Pragmatic
14-Allen Biro

1-Parker
2-Warriner
3-Prather
4-Nesbet
5-Kornhanscr
6-Harry
7-Olsen

نهبندان و از مغرب به شهرستان طبس محدود می‌باشد. مرکز شهرستان به طول جغرافیایی ۵۸-۵۲ و عرض جغرافیایی ۳۲-۴۷ و به ارتفاع ۱۳۰۰ متر از سطح دریا می‌باشد. از نظر تقسیمات کشوری شهرستان خوسف دارای پنج دهستان براكوه، جلگه ماژان، قلعه زری، خوسف و خور و دارای ۲۷۲ روستا به وسعت ۱۶۰۲۹ کیلومتر مربع است که از این تعداد ۲۱۸ روستا و آبادی دارای سکنه می‌باشد. تعداد بهره‌برداران بخش کشاورزی ۲۰۰۱۷ خانوار است. نظام زراعی حاکم خرده‌مالکی بوده و اراضی کشاورزی هر خانوار به قطعات کوچکی تقسیم شده است. اغلب این قطعات در فواصل دور از هم قرار می‌گیرند. محصولات عمده‌ی کشاورزی شهرستان خوسف شامل گندم، جو و پنبه است. منابع عمده‌ی آب‌های زیرزمینی این بخش شامل ۵۵۴ چاه و قنات است که تخلیه‌ی سالیانه آن‌ها به ۱۱۶/۸۵ میلیون متر مکعب می‌رسد (سالنامه آماری ۱۳۸۵). در محدوده‌ی مورد مطالعه علاوه بر پراکندگی و تعدد قطعات زراعی، با توجه به موقعیت جغرافیایی و تأثیرپذیری از اثرات کویر لوت، کمبود بارش سالانه، تفاوت دمای شب و روز، تبخیر و تعریق بالا، افت سطح آب زیرزمینی و افزایش عمق برخورد با آب، کم‌آب شدن و خشکیدن تعدادی از قنوات دشت و کاهش دبی نهرهای زهکش در خروجی از دشت از جمله محدودیت‌های بخش کشاورزی به شمار می‌رود.

یافته‌های توصیفی تحقیق

بر اساس بررسی‌های انجام شده ۲۸/۷۶ درصد بهره‌برداران در پایلوت مورد مطالعه در گروه سنی ۷۰-۶۱ سال قرار دارند و ۵/۴۷ درصد آن‌ها به گروه سنی ۹۰-۸۰ سال تعلق دارند. میانگین سنی بهره‌برداران ۵۹ سال می‌باشد. تنها ۶/۸۴ درصد دارای تحصیلات بالای سیکل هستند و حدود ۹۳ درصد کمتر از این میزان سواد دارند. شغل اصلی ۸۴/۹۳ درصد از مالکین،

مردم به کمک مشارکت و بدون اتکای جدی بر برنامه‌های رسمی می‌توانند بر مشکلاتشان فایق آیند، یعنی خوداتکا شوند و نیازهای اساسی‌شان را رفع کنند (پاپلی‌یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۵: ۱۱).

آینده‌ای امیدوارکننده، زمانی به وقوع خواهد پیوست که مردم مشتاق باشند در امر توسعه مشارکت کنند و منابع‌شان را در مسیر توسعه‌ی جامعه‌شان به کار گیرند. از این رو ضروری است که دولت تلاش کند تا مردم را در همه‌ی مراحل هر پروژه‌ی پیشنهادی شرکت دهد (Agwu, 2005: 272).

شاتزو^۱ مشارکت را عبارت از درگیری مستقیم مردم در تصمیم‌گیری‌ها از طریق یک سری مکانیزم رسمی یا غیررسمی می‌داند (Schatzow, 1977: 141). مشارکت واقعی مردم در امر توسعه، به‌ویژه توسعه‌ی روستایی، مستلزم تغییر ساختار نابرابر اجتماعی و از بین بردن فاصله اجتماعی فقیر و غنی و تغییر ساختار سیاسی و اداری در جهت دخالت بیشتر مردم در جریان توسعه می‌باشد (وئوقی و فرجی، ۱۳۸۵: ۱۰۴).

جلب مشارکت کشاورزان، به منزله‌ی انتقال برخی مسؤولیت‌ها از یک بخش جامعه به بخشی دیگر، در واقع گوشه‌ای از روابط متقابل اجتماعی اقتصادی گروه‌های مختلف جامعه را در برمی‌گیرد (فکری/رشاد، ۱۳۸۴: ۲). از این‌رو، جهت جلوگیری از تکرار تجربه‌های ناموفق گذشته، باید موضوع مشارکت و عوامل مؤثر بر تمایل کشاورزان و مشارکت آن‌ها در اجرای طرح‌های کشاورزی بیشتر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

خصوصیات و ویژگی‌های محدوده مورد مطالعه

شهرستان خوسف در ۳۵ کیلومتری جنوب غربی شهر بیرجند قرار گرفته است. خوسف از شمال به سرایان (از بخش‌های فردوس)، از مشرق به بخش مرکزی شهرستان بیرجند، از جنوب به شهرستان

بعد از اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی، متوسط تعداد قطعات هر بهره‌بردار از ۶/۲ قطعه به ۱ قطعه کاهش یافته است. بدین معنی که اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی در منطقه‌ی مورد مطالعه باعث کاهش تعداد قطعات زراعی کشاورزان شده است. وسعت متوسط هر قطعه در مزارع منطقه‌ی مورد مطالعه از ۰/۰۹۶ به ۰/۰۶ هکتار افزایش یافته است، یعنی وسعت هر قطعه ۶/۲۵ برابر شده است.

نتیجه‌ی بررسی دیدگاه بهره‌برداران به اجرای طرح یکپارچه‌سازی در جدول ۱ آمده است. بر این اساس ۵۶/۱۸ درصد از کشاورزان با رضایت کامل خودشان، ۳۹/۷۲ درصد از آنها به تبعیت از دیگران و ۴/۱۰ درصد هم در مراحل اولیه مخالف بودند که طی برگزاری جلسات متعدد توجیهی، رضایت خود را برای انجام طرح یکپارچه‌سازی اراضی اعلام کردند.

کشاورزی و ۱۵/۰۷ درصد از آن‌ها غیرکشاورزی (کارمندی، کارگری و...) است. از کل بهره‌برداران ۸۲/۱۹ درصد، مرد و ۱۷/۸۱ درصد نیز زن می‌باشد.

کل اراضی زراعی روستاهای مورد مطالعه شامل ۱۲۸/۴۸ هکتار (۱۴۵۷ قطعه زراعی) می‌باشد که به طور متوسط سهم مالکیت هر کشاورز قبل از یکپارچه‌سازی ۱/۷۶ هکتار (۲۰ قطعه زراعی) بوده است. بدیهی است که فراوانی تعداد قطعات قبل از اجرای طرح، امکان استفاده‌ی صحیح و بهره‌برداری بهینه‌ی اراضی را از کشاورزان سلب نموده است.

در این منطقه ۴۱/۰۹ درصد از بهره‌برداران دارای ۰ تا ۱ هکتار، ۴۲/۴۶ درصد آنان ۱/۱ تا ۲ هکتار و ۱۶/۴۵ درصد از بهره‌برداران بین ۲/۱ تا ۶ هکتار زمین زراعی بوده‌اند. از این‌رو ۸۳/۱ درصد از بهره‌برداران کمتر از ۲ هکتار زمین داشته‌اند، به گونه‌ای که میانگین میزان اراضی کشاورزان نیز ۰/۰۸۹ هکتار بوده است.

جدول ۱: فراوانی نظر بهره‌برداران در رابطه با تمایل آن‌ها برای مشارکت در مرحله‌ی اولیه طرح یکپارچه‌سازی

نوع تمایل	با رضایت کامل شخص	به تبعیت از دیگران	به توصیه‌ی جهادکشاورزی	جمع
فراوانی	۴۱	۲۹	۳	۷۳
درصد	۵۶/۱۸	۳۹/۷۲	۴/۱۰	۱۰۰

مأخذ: اطلاعات میدانی، ۱۳۸۸

بحث و تحلیل

در این تحقیق به بررسی رابطه بین خصوصیات فردی بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی پرداخته شده است. در ۴ آزمون هرکدام از متغیرهای جنس، سن، سطح تحصیلات و شغل بهره‌برداران با متغیر تمایل بهره‌برداران برای مشارکت در اجرای طرح مورد سنجش قرار گرفتند.

۱- آزمون وجود همبستگی بین متغیر جنس بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در اجرای طرح:
برای بررسی رابطه‌ی میان جنس بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در اجرای طرح از آزمون اسپیرمن و ضریب توافق استفاده شده که نتایج آن در جدول ۲ و ۳ درج شده است.

جدول ۲: جدول توافقی بین جنسیت بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در طرح

جمع	به توصیه جهاد کشاورزی	به تبعیت از دیگران	با رضایت کامل خودم	تمایل بهره‌برداران برای مشارکت در اجرای طرح
۶۰	۲	۱۹	۳۹	جنسیت بهره‌برداران
۱۳	۱	۱۰	۲	مرد
۷۳	۳	۲۹	۴۱	زن
				جمع

مأخذ: اطلاعات میدانی، ۱۳۸۸

جدول ۳: آزمون اسپیرمن و ضریب توافق

سطح معنی‌داری ^۱ (Sig)	مقداری آزمون (value)	نتایج آزمون
۰/۰۰۱	۰/۴۱۳	ضریب توافق ^۲
۰/۰۰۰	۰/۴۵۲	همبستگی اسپیرمن ^۳

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸

تبعیت از دیگران و اکثر مردان نیز با رضایت کامل خودشان پذیرفته‌اند.

۲- آزمون وجود همبستگی بین متغیر شغل بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در اجرای طرح:

برای بررسی رابطه میان شغل بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی از آزمون اسپیرمن و ضریب توافق استفاده شده است که نتایج آن در جدول توافقی ۴ و ۵ آمده است.

نتیجه‌ی آزمون اسپیرمن ($Sig = 0/000$) در رابطه با جنسیت بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در طرح از سطح معناداری $\alpha = 0/05$ کمتر است. بنابراین بین جنسیت بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در طرح همبستگی وجود دارد و مقدار این همبستگی برابر $0/452$ و کمتر از حد متوسط می‌باشد (نتایج آزمون ضریب توافق نیز نتایج آزمون اسپیرمن را تأیید می‌کند). از اطلاعات موجود در جدول توافقی ۲ نیز می‌توان نتیجه گرفت که زنان اجرای طرح یکپارچه‌سازی را به

جدول ۴: جدول توافقی بین شغل بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در اجرای طرح

جمع	به توصیه جهاد کشاورزی	به تبعیت از دیگران	با رضایت کامل خودم	نوع تمایل بهره‌برداران برای مشارکت در اجرای طرح
۶۲	۱	۲۱	۴۰	شغل بهره‌برداران
۱۱	۲	۸	۱	کشاورز
۷۳	۳	۲۹	۴۱	غیرکشاورز
				جمع

مأخذ: اطلاعات میدانی، ۱۳۸۸

جدول ۵: آزمون اسپیرمن و ضریب توافق

سطح معنی‌داری (Sig)	مقداری آزمون (value)	نتایج آزمون
۰/۰۰۰	۰/۵۹۰	ضریب توافق
۰/۰۰۰	۰/۶۷۶	همبستگی اسپیرمن

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸

که شغل آن‌ها غیرکشاورزی بوده، به تبعیت از دیگران در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی مشارکت داشته‌اند.

۳- آزمون وجود همبستگی بین متغیر سطح تحصيلات بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در اجرای طرح: برای بررسی رابطه میان سطح تحصيلات بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی از آزمون کندال استفاده شده است که نتایج آن در جدول توافقی ۷ درج شده است.

در رابطه با شغل بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در اجرای طرح، نتایج آزمون اسپیرمن، کمتر بودن ($\text{Sig} = 0/000$) را از سطح معناداری $\alpha = 0/05$ نشان می‌دهد که مقدار همبستگی بین شغل بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در اجرای طرح برابر $0/676$ و بالاتر از حد متوسط می‌باشد. بر اساس اطلاعات مندرج در جدول توافقی ۴، می‌توان نتیجه گرفت که افرادی که شغل اصلی آن‌ها کشاورزی می‌باشد با رضایت کامل خودشان در اجرای طرح یکپارچه‌سازی مشارکت داشته‌اند. درحالی‌که افرادی

جدول ۶: جدول توافقی بین سطح تحصيلات بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در طرح

جمع	به توصیه جهاد کشاورزی	به تبعیت از دیگران	با رضایت کامل خودم	نوع تمایل بهره‌برداران برای مشارکت در اجرای طرح
۲۰	۱	۱۵	۴	سطح تحصيلات بهره‌برداران بی‌سواد
۱۸	۲	۱۲	۴	خواندن و نوشتن
۲۲	۰	۲	۲۰	ابتدایی
۸	۰	۰	۸	سیکل
۵	۰	۰	۵	سیکل به بالا
۷۳	۳	۲۹	۴۱	جمع

مأخذ: اطلاعات میدانی، ۱۳۸۸

جدول ۷: نتایج آزمون کندال

سطح معنی‌داری (Sig)	مقدارهای آزمون (value)	نتایج آزمون
۰/۰۰۴	۰/۳۱۲	نوع آزمون ضریب همبستگی کندال ^۱

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸

یکپارچه‌سازی اراضی زراعی مشارکت داشته‌اند. درحالی‌که بهره‌بردارانی که دارای سطح تحصيلات کمتر هستند، اجرای طرح یکپارچه‌سازی را به تبعیت از دیگران پذیرفته‌اند.

۴- آزمون همبستگی بین سن بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در اجرای طرح:

برای بررسی رابطه میان سن بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی از آزمون کندال استفاده شده است که نتایج آن در جدول توافقی ۸ و ۹ آمده است.

آزمون کندال، $\text{Sig} = 0/004$ به دست آمده است که مقدار آن از سطح معناداری $\alpha = 0/05$ کمتر است. بر اساس نتایج آزمون، رابطه‌ی سطح تحصيلات بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در اجرای طرح بیانگر وجود همبستگی بین سطح تحصيلات بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در اجرای طرح بوده و مقدار این همبستگی برابر $0/312$ و کمتر از حد متوسط است. بر اساس نتایج به دست آمده از جدول توافقی ۵، اکثریت بهره‌بردارانی که سطح تحصيلاتشان در حد ابتدایی و سیکل است، با رضایت کامل خودشان در اجرای طرح

جدول ۸: جدول توافقی بین سطح سواد بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در اجرای طرح

جمع	به توصیه جهاد کشاورزی	به تبعیت از دیگران	با رضایت کامل خودم	نوع تمایل بهره‌برداران برای مشارکت در اجرای طرح
				سن بهره‌برداران (سال)
۵	۰	۰	۵	۳۰-۴۰
۱۷	۰	۲	۱۵	۴۱-۵۰
۱۳	۳	۱	۹	۵۱-۶۰
۲۱	۰	۱۶	۵	۶۱-۷۰
۱۳	۰	۸	۵	۷۱-۸۰
۴	۰	۲	۲	۸۱-۹۰
۷۳	۳	۲۹	۴۱	جمع

مأخذ: اطلاعات میدانی، ۱۳۸۸

جدول ۹: نتایج آزمون کندال

سطح معنی‌داری (Sig)	مقدارهای آزمون (value)	نتایج آزمون
		نوع آزمون
۰/۰۱۱	۰/۵۰۸	ضریب همبستگی کندال

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸

قادر به تأمین حداقل مواد غذایی مورد نیاز جامعه کند. اثرات طرح‌های یکپارچه‌سازی شامل موارد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی می‌شود. بارزترین ویژگی طرح‌های یکپارچه‌سازی در بعد اقتصادی کاهش تعداد قطعات است که این امر به‌طور مستقیم در افزایش امکان سرمایه‌گذاری‌ها، افزایش سطح زیرکشت و افزایش راندمان آبیاری مؤثر بوده، به طوری که استفاده از تکنولوژی‌های نوین و در پی آن صرفه‌جویی در نهاده‌های تولید و کاهش هزینه‌های تولید ممکن گشته است. در زمینه‌ی اجتماعی، یکپارچه‌سازی با افزایش رضایت‌مندی کشاورزان و تمایل آن‌ها برای اجرای طرح در سایر مزارع و افزایش اوقات فراغت، زمینه برای افزایش ظرفیت‌های اجتماعی، فرهنگی مهیا می‌شود. افزایش درآمد روستاییان که جزء مهم‌ترین آثار اجرای طرح‌های یکپارچه‌سازی از بُعد اقتصادی است. در زمینه‌ی محیط زیست نیز اثرات یکپارچه‌سازی، شامل افزایش یا کاهش نفوذپذیری خاک، آلودگی منابع آب و سایر خاک به دلیل استفاده از نهاده‌ها (کود و سم) و سایر زمینه‌های کیفی خاک می‌باشد.

در رابطه با سن بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در اجرای طرح، نتایج آزمون کندال Sig= ۰/۰۱۱ را نشان می‌دهد و از آنجایی که این مقدار از سطح معناداری $\alpha= ۰/۰۵$ کمتر است، بین سن بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در اجرای طرح همبستگی وجود دارد و مقدار این همبستگی برابر ۰/۵۰۸ و در حد متوسط می‌باشد. از اطلاعات جدول توافقی ۸، چنین برمی‌آید که اکثریت بهره‌بردارانی که در گروه سنی اول و دوم (۳۰-۵۰ سال) قرار می‌گیرند، با رضایت کامل خود اجرای طرح یکپارچه‌سازی را پذیرفته‌اند. اکثر بهره‌بردارانی که در گروه‌های سنی سوم، چهارم، پنجم و ششم (۵۱-۹۰ سال) قرار دارند، به تبعیت از دیگران با اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی موافق بودند.

نتیجه

یکپارچه‌سازی اراضی سیاستی است بنیادی در ارتباط با تغییر اندازه‌ی زمین از طریق یکپارچه کردن نسق زراعی بهره‌برداران که می‌تواند کشاورزی ایران با بافت سنتی و با واحدهای بهره‌برداری کوچک‌دهقانی را

علمی و مطابق تکنولوژی روز را دارند. این در حالی است که بهره‌برداران جوان و تحصیل کرده که کشاورزی حرفه‌ای اصلی آن‌ها محسوب می‌شود، مشارکت بیشتری در اجرای طرح یکپارچه‌سازی دارند.

پیشنهادات

- با توجه به همبستگی بین سطح تحصیلات بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در اجرای طرح، پیشنهاد می‌گردد طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی به کشاورزان از طریق رسانه‌های گروهی باید هرچه بیشتر شناسانده شود. با افزایش آگاهی از مزایای یکپارچه‌سازی اراضی زراعی، احساس نیاز و تمایل به مشارکت در طرح به صورت خودجوش در بین کشاورزان صورت می‌گیرد.

- با توجه به همبستگی بین شغل بهره‌برداران و تمایل آن‌ها برای مشارکت در اجرای طرح لازم است نگرشی همه‌جانبه و فرایندی به یکپارچه‌سازی اراضی زراعی داشته و تحقیقات بیشتری در مناطق مختلف جغرافیایی انجام شود. بعد از اجرای طرح نیز باید حمایت دستگاه مسؤول (جهاد کشاورزی) ادامه داشته باشد.

- ایجاد انگیزه در کشاورزان از طریق اعطای تسهیلات مالی و اعتباری، معرفی اجرای طرح یکپارچه‌سازی به عنوان روشی مؤثر در افزایش عملکرد، پرداخت برخی هزینه‌ها از منابع اعتباری خاص و ارائه‌ی برخی نهاده‌های تولید ضروری به نظر می‌رسد.

- مراحل اداری و اجرایی طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی باید تا حد امکان کوتاه شود تا در تقویم زراعی کاشت محصولات خللی وارد نشود. به بیان دیگر عملیات یکپارچه‌سازی اراضی زراعی قبل از شروع کشت سالیانه انجام شود و برای انجام عملیات، مراحل زمانی کوتاه تعیین شود.

طبق بررسی‌های انجام شده، ۴۱ نفر (۵۶/۱۸ درصد) از کشاورزان با رضایت کامل خودشان، ۲۹ نفر (۳۹/۷۲ درصد) از آن‌ها به تقلید از دیگران در اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی مشارکت داشته‌اند. ۳ نفر (۱/۱۰ درصد) از بهره‌برداران نیز در مراحل اولیه مخالف بودند که طی برگزاری جلسات متعدد توجیهی، رضایت خود را برای انجام طرح یکپارچه‌سازی اراضی زراعی اعلام کردند.

میزان همبستگی بین نوع تمایل بهره‌برداران برای مشارکت در اجرای طرح و هر یک از انواع متغییرهای مورد بررسی به ترتیب در شغل، سن، جنس و تحصیلات بیشتر برآورد می‌شود.

اکثریت مردانی که در گروه سنی ۵۰-۳۰ سال قرار دارند (۳۰/۱۷ درصد بهره‌برداران) و دارای سطح تحصیلات ابتدایی و بالاتر از سیکل هستند (۳۵ درصد بهره‌برداران) و همچنین افرادی که شغل اصلی آن‌ها کشاورزی می‌باشد (۸۴/۹۳ درصد از مالکین)، جزو اقشاری محسوب می‌شوند که با رضایت کامل خود اجرای طرح یکپارچه‌سازی را پذیرفته‌اند و در اجرای طرح یکپارچه‌سازی در منطقه‌ی مورد مطالعه مشارکت داشته‌اند. در مقابل اکثر زنان روستایی و بهره‌بردارانی که در گروه‌های سنی ۹۰-۵۱ سال قرار دارند (۶۹/۸۳ درصد بهره‌برداران) و سطح تحصیلاتشان در حد بی‌سواد یا خواندن و نوشتن است (۶۵ درصد بهره‌برداران) و افرادی که شغل آن‌ها غیرکشاورزی بوده (۱۵/۰۷ درصد بهره‌برداران)، به تبعیت از دیگران به اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی متمایل شده‌اند. بدین ترتیب می‌توان گفت که سن بالا، سطح تحصیلات پایین و فرعی بودن اقتصاد کشاورزی در خانواده‌های روستایی منطقه‌ی مورد مطالعه، از مهم‌ترین عواملی هستند که تأثیر منفی در مشارکت بهره‌برداران در اجرای طرح یکپارچه‌سازی دارند. چراکه تأثیرپذیری و پذیرش کشاورزان با افزایش سن و کاهش سطح تحصیلات، کاهش یافته و کمتر از جوانان تمایل به انجام کارهای

منابع

۱۱. کلاتری، خلیل؛ سیدمحمود حسینی؛ غلامحسین عبدالزاده (۱۳۸۴). ساماندهی و یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی با استفاده از تجارب کشورهای اروپای شرقی، فصلنامه روستا و توسعه. سال هشتم. شماره ۳.
۱۲. مردوخی، بایزید (۱۳۷۳). مشارکت مردم در فرایند توسعه و طرحی برای سنجش میزان آن، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره ۶. مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی. تهران.
۱۳. مطیعی لنگرودی، سیدحسین؛ فاطمه سخایی (۱۳۸۸). مشارکت مردمی و توسعه‌یافتگی روستایی در دهستان سلگی رستان نهاوند، پژوهش‌های جغرافیای انسانی. شماره ۷۰.
۱۴. مطلبی، مجتبی (۱۳۸۸). موانع یکپارچه‌سازی اراضی، ماهنامه اقتصادی-تحلیلی-خبری سرزمین سبز. سال ششم. شماره ۷۰ و ۷۱.
۱۵. میردریگونند، اسفندیار (۱۳۸۲). مزایای یکپارچه‌سازی اراضی، ماهنامه جهاد. سال بیست و سوم. شماره ۲۵۸.
۱۶. نگهبان، علیرضا؛ فرشته مستجابی (۱۳۸۴). Spss راهنمای روش تحقیق به کمک پرسشنامه، تهران. انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۷. وثوقی، منصور؛ افراسیاب فرجی (۱۳۸۵). پژوهشی جامعه‌شناختی در زمینه عوامل مؤثر بر تمایل کشاورزان به مشارکت در یکپارچه‌سازی اراضی مزروعی (مورد: روستاهای زرین‌دشت)، مجله جامعه‌شناسی ایران؛ دوره هفتم، شماره ۴.
۱۸. وثوقی، منصور (۱۳۸۲). یکپارچه‌سازی اراضی تجربه ناموفق در دولت‌ها و تجربه موفق در چهارچوب دانش بومی، نشریه علوم اجتماعی. دوره ۱۱/ شماره ۲.
19. Agarwal, s.k (1971). Economics of land consolidation in India, New Delhi.
20. Agwu, A. E (2005). Rural Peoples Attitude Towards Participation in Development Project, A study of NGWO community in Enugu State, Nigeria, Journal of Rural Development, Vol. 24, No. 2, Aaphril-June.
۱. آصفی، علیرضا (۱۳۷۹). طراحی یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی. دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۲. بیرو، آلن (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقرساروخانی. تهران. انتشارات کیهان.
۳. پاپلی‌یزدی، محمدحسین (۱۳۸۵). تئوری‌های توسعه روستایی، تهران. انتشارات سمت.
۴. پورمرعشی، سیدمحمد (۱۳۷۵). یکپارچه‌سازی زمین‌های کشاورزی در ایران و کشورهای دیگر، مجله برنامه و بودجه. شماره ۱۱.
۵. حیدری، غلامرضا (۱۳۷۵). یکپارچگی اراضی و توسعه کشاورزی در ایران، فصلنامه اقتصاد. توسعه و کشاورزی. شماره ۱۳.
۶. دشتی، عبدالله (۱۳۷۶). دیالکتیک انضباط و خودجوشی نقش نظریه انقلابی ساندیست‌ها در فرهنگ سیاسی و مشارکت مردمی، فصلنامه فرهنگ. شماره ۲۳. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران.
۷. رکن‌الدین‌افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۲). توسعه‌ی کشاورزی (مفاهیم، اصول، روش تحقیق، برنامه‌ریزی در یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی)، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). چاپ اول. تهران.
۸. معاونت برنامه‌ریزی، استانداری خراسان جنوبی. سالنامه آماري استان. ۱۳۸۵.
۹. فکری‌ارشاد، منوچهر (۱۳۸۴). چهارمین کارگاه فنی مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی (اصول و روش‌های کاربردی)، ۸ دی ماه.
۱۰. کاشف، فرخنده (۱۳۸۲). یکپارچگی اراضی، اصل مهم در تحقق توسعه‌ی کشاورزی پایدار. فصلنامه‌ی آموزشی ترویجی هم‌ولایتی. سال دوم. شماره ۱۰.

26. Parker, R (1985). Measuring Social Participation. American Sociological Review. Vol.84.
27. Schatzow, Steven (1977). The Influence of Public Participation in Planning. Edited by SEWELL. Johnvilly and Son Press.
28. The Munich Statement on Land Consolidation as a tool for Symposium on Land fragmentation and Land Consolidation in Central European Countries (2002). FAO, GTZ, FIG, ARGE. Landentwicklung und TV Munich. Documentation of Symposium.
29. Wang, Xiaojun and Zhenrong Yu (2008). Steve Cinderdy, John Forrester, Vol. 28, April.
21. Hall, A (1988). Community Participation and Development Policy: A Sociological Perspective, in, Development Policies: Sociological Perspectives, edited by A.Hall and J.Midgely, Manchester: Manchester University Press.
22. Kodderitzsch. S (1999). Reforms in Albanian Agriculture. World Bank Technical Paper NO.431, Washington, D.C, World Bank.
23. Lowe, P. et al (2005). Participation in Rural Development, Center for Rural Economy, Official Publications of the Eropen, Loxamborg
24. Oldenburg, Philip (1990). Land Consolidation as Land Reform, in India. vol. 18, No. 2, 1990.
25. Olsen, E. M (1972). Social Participation Voting Turnout a Multiple Analysis, American Sociological Review, Vol.37.